

پارلمان‌تاریسم یعنی قانونیت بخشیدن به بردگی مزدی

در حاشیه سیرک انتخاباتی بورژوازی اسلامی



نمایی از اعتصاب کارگران پالایشگاه تهران در سال ۱۳۵۷

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

Homepage: www.internationalist.tk

تله‌گرام: <https://t.me/intvoice>

"هر چند سال یکبار به ستمکشان اجازه می دهند تصمیم بگیرند که از میان طبقه ستمگر چه کسی در پارلمان نماینده و سرکوب کننده آنان باشد!"
مارکس - جنگ داخلی در فرانسه

زمانی که سرمایه داری هنوز نقش مترقی در جامعه ایفا میکرد و امکان اصلاحات در جامعه هنوز وجود داشت و هنوز انقلاب کمونیستی در دستور روز قرار نداشت، کمونیستها سعی کردند از تریبون پارلمان استفاده کرده و فرم هائی را به نفع طبقه کارگر به جامعه تحمیل کنند. کمونیستها حتی در دوران شکوفائی سرمایه داری نیز به پارلمان و پارلمانتاریسم هیچگونه توهمی نداشتند، چرا که در جامعه سرمایه داری طبقه حاکم تمامی وسایل ذهنی و ایدئولوژیک را در اختیار دارد و افکار عمومی را تولید و جهت میدهد. مارکس با ذکاوت تمام، هنوز زمانی که سرمایه داری بسیار جوان بود و حتی نقش مترقی در جامعه ایفا می کرد یعنی در سال ۱۸۴۶ نقش طبقه بورژوازی را در تولید و هدایت افکار عمومی بروشنی توضیح میدهد:

"افکار طبقه حاکم در هر دوران افکار حاکم هستند. یعنی طبقه ای که نیروی حاکمه مادی جامعه است، در عین حال نیروی حاکمه معنوی آن نیز هست. طبقه ای که وسایل تولید مادی را در اختیار دارد، در نتیجه وسایل تولید ذهنی را تحت کنترل خواهد داشت، بنحویکه افکار آنهایی که فاقد وسایل تولید ذهنی هستند در کل تابع آن است. افکار حاکم چیزی بیش از بیان اندیشه وار مناسبات مادی مسلط یعنی مناسبات مادی ادراک شده بصورت ایده ها نیست، و لذا بیش از بیان فکری مناسباتی که یک طبقه را طبقه مسلط می کند و بنابراین افکار [توجیه کننده] تسلط آن طبقه نیست. افرادی که طبقه حاکم را تشکیل میدهند دارای شعور نیز هستند و لذا فکر می کنند. بنابراین مادام که آنها بعنوان یک طبقه حکومت می کنند و حدود و دایره یک دوران تاریخی را تعیین می نمایند، بدیهی است که این کار را در همه ابعاد آن بعمل می آورند، لذا بعنوان متفکران، بعنوان تولید کنندگان افکار نیز حکومت می کنند و تولید و توزیع اندیشه های عصر خویش را تنظیم می نمایند: بدین سان افکار آنان افکار حاکم آن دوران است."

با ورود سرمایه داری به دوره انحطاط خود که با جنگ جهانی اول آغاز شد، عصر جنگهای امپریالیستی و انقلابات پرولتری شروع شد. دیگر امکان تحمیل رفرمهای پایدار به سرمایه داری وجود نداشت، دیگر نمی شد از تریبون پارلمان علیه بورژوازی استفاده کرد، انقلاب کمونیستی در دستور روز قرار گرفته بود. بعد از این تاریخ بود که کمونیستها اعلام کردند در عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دمکراتیک است. کمونیستها اعلام کردند سرمایه داری دمکراتیک و سرمایه داری دیکتاتوری دو روی همان سکه هستند، بربریت سرمایه داری.

کمونیستها در دومین کنگره انترناسیونال کمونیستی گرد هم جمع شدند و با توجه به شرایط جدید، ورود سرمایه داری به عصر انحطاط و گندیدگی خود، یک صدا اعلام کردند، عصر کنونی، عصر جنگهای امپریالیستی و انقلابات کمونیستی است و نوشتند:

"پارلمان وسیله ای برای دروغ پردازی، فریبکاری، خشونت و نق زدنهای خسته کننده تبدیل شده است. با غارت، ویرانی، تجاوز، میلیتاریسم و ویرانیهای امپریالیسم، رفرمهای پارلمانتاریستی بدون هیچ ثبات یا اثری معنی واقعی خود را برای توده های کارگر از دست میدهد."

همزنجیران!

سرمایه داری سوای از اشکال ظاهری آن، دیکتاتوری یا دمکراسی، بوی خون، کثافت و لجن میدهد. سرمایه داری در یکی از عمیق ترین بحرانهای تاریخی خود فرو رفته است و بهای آنرا طبقه کارگر می پردازد. اگر زمانی اقتصاددانان و ایدئولوگهای بازار آزاد از ترم "رکود اقتصادی" برای بحرانهای سرمایه داری استفاده میکردند، امروز خود به ورشکستگی سرمایه داری اعتراف میکنند.

در دمکرات ترین کشورها نیز دیکتاتوری سرمایه اعمال می شود، چرا که وسائل تولیدات ذهنی و افکار عمومی در دست بورژوازی است و کارگران و توده های محروم هیچ دخالتی در امور جامعه ندارند. آزاد ترین و دمکراتیک ترین انتخابات نیز یک نوع عوامفریبی علیه طبقه کارگر است و مانع اعمال قدرت کارگران است. آزاد ترین انتخابات پارلمانتاریستی در راستای تضعیف مبارزه طبقاتی و هدایت مبارزه طبقاتی به کانالهای قانونی و سپس هم سترون کردن آن است. دمکراتیکترین و شفاف ترین انتخابات پارلمانتاریستی در راستای ایجاد تشمت در آگاهی طبقاتی است.

بحران سرمایه داری خود را در سراسر این کره خاکی گسترده است و یک پدیده جهانی است. هر دولتی که بعد از انتخابات سر کار بیاید، وظیفه اساسی آن دولت تضمین انباشت سرمایه و بخصوص حمله به سطح معیشت ما کارگران خواهد بود. اعمال ریاضت های اقتصادی بیشتر در حالی که اکثریت طبقه ما زیر خط فقر زندگی می کند بخشی از عملکرد دولت جدید خواهد بود.

مبارزه علیه کاهش دستمزدها، بیکارسازیهای دسته جمعی، سیاستهای ریاضت اقتصادی و غیره تنها از طریق مبارزه طبقاتی امکان پذیر است. تنها با اتکا به طبقه خودمان میتوانیم از منافع طبقاتی خود دفاع کنیم. نه از طریق انداختن رای به صندوقهای دولتهای سرمایه بلکه از طریق کمیته های محل کار، کمیته های اعتصاب، مجمع عمومی و غیره است که میتوانیم نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم که قابل عزل شدن در هر زمان هستند و از طریق چنین ارگانهائی به مبارزه خودمان سمت و

سو بدهیم. ما هرگز نباید هویت طبقاتی مان را، اعتماد به نفس مان را به خودمان، تواناییهای انقلابی مان را در شکل دادن خودمان بعنوان یک نیروی اجتماعی مستقل در تحولات جامعه از طریق مبارزه طبقاتی از دست بدهیم.

شرکت در انتخابات پارلمانتاریستی تحت هر عنوانی و یا تحریم انتخابات، تنها به توهم پارلمانتاریسم دامن میزند. وظیفه اصلی پارلمان قانونیت بخشیدن به بردگی مزدی است. نه پارلمانتاریسم بلکه طبقه کارگر تنها طبقه اجتماعی است که می تواند به بربریت و وحشیگری سرمایه داری پایان دهد. تا زمانی که گورکن نظام بربر سرمایه داری، طبقه کارگر به وظیفه تاریخی خود یعنی درهم شکستن جهانی سرمایه داری از طریق انقلاب کمونیستی و جایگزینی آن از طریق شوراهای سراسری کارگری عمل نکرده، وضعیت طبقه ما تداوم بربریت سرمایه داری خواهد بود.

وظیفه انترناسیونالیستها سازمانیابی خود در راستای فراهم آوردن زمینه شکلگیری حزب کمونیست انترناسیونالیست است که بدون آن امکان پیروزی انقلاب کمونیستی میسر نیست. این تنها از یک افق انترناسیونالیستی امکان پذیر است. ما چیزی برای از دست دادن نداریم جز زنجیرهایمان و جهانی که بدست می آوریم!

صدای انترناسیونالیستی

خرداد ۱۴۰۰

برگرفته از جزوه «پارلمانتاریسم یعنی دیکتاتوری سرمایه – زنده باد انقلاب کمونیستی»

انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!